



استاد محسن قرائتی

اشاره: وظایف شیعه در برابر حضرت بقیةالله (عج)، بر دوگونه است: وظایف فردی؛ وظایف جمعی. برخی از کارها، بر عهدهی افراد است و بعضی از وظایف، بر عهدهی نهادها و سازمانها و تشکلها. نوشتار حاضر، وظیفهی مردم و مراکزی مانند حوزه و مساجد و تکیهها و صدا و سیما و عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح و... را شمرده است.

اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّقْوَى^۱

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.^۲

پیش در آمد

مراکز دینی دربارهی حضرت مهدی (عج) چه کارهایی می توانند انجام دهند؟
من، برای پاسخ دادن به این پرسش، مراکز مختلف را در نظر گرفتم و برای هر یک وظایفی را نوشتم. نام این مراکز، چنین است: مساجد و تکایا؛ عقیدتی - سیاسی نیروهای

مسلح؛ صدا و سیما؛ منبری‌ها؛ مداح‌ها؛ سازمان و دفتر تبلیغات؛ نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها؛ اوقاف؛ حوزه‌های علمیه؛ و مردم.

وظایف مردم

* نام حضرت مهدی (عج) را ترویج دهند.

در قرآن آمده است:

﴿... يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾^۳.

در این جا، «سبیلاً» به طور نکره آمده است. مردم، در روز قیامت، هیچ چیز ندارند جز این که می‌گویند: «ما، اسم بچه‌مان، حسن و حسین بود.» و همین نخ باریک، این‌ها را نجات می‌دهد. این «سبیلاً» یعنی یک راه بسیار مختصر، مانند همین که نام پسرش را «مهدی» می‌گذارد.

نگوید: «نام برادر من، مهدی است و برادر خانم‌ام مهدی است، بنابراین، من نمی‌توانم نام پسرم را مهدی بگذارم.»! چه طور اگر برادران تلفن و تلویزیون و فریزر داشته باشد، نمی‌گویند، دیگر من نداشته باشم؟! چه اشکالی دارد که در همه‌ی خانه‌ها، «فاطمه» باشد، «مهدی» باشد؟!!

* موقوفات برای امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام زیاد است، ولی درباره‌ی قرآن و امام زمان (عج) زیاد نیست.

* برای کتاب‌هایی که مربوط به امام زمان (عج) است، کسی بانی شود، مثلاً، چند هزار جلد کتاب بخرد و به افراد بدهد یا این که یک سری کتاب بخرند و ارزان‌تر بدهند.

* حدیث داریم که اگر چیزی می‌خواهی برای بچه‌ات بخری، شب جمعه بده که او با کلمه‌ی جمعه و یاد امام زمان (عج) آشنا شود.

* حدیث تکان دهنده‌ای دیدم. امام فرمودند: «من، روزی صد بار شما را دعا می‌کنم.» خیلی بی‌انصافی است که آقا، روزی صد دفعه ما را دعا کند، ولی ما یک «اللهم کن لولیک»

هم نگوئیم!

* معلّم از دانش آموزان بخواهد یک انشا برای آقا(عج) بنویسند. ما، در ستاد اقامه‌ی نماز، سه سال است این کار را می‌کنیم. امسال، ششصد هزار انشا نوشته بودند.

* هدیه‌ها و چشم‌روشنی‌ها، کتاب‌هایی درباره‌ی امام زمان(عج) باشد. هدیه‌ی هر کس، کتابی مطابق نیازش باشد.

این‌ها، نمونه‌ی کارهایی است که مردم می‌توانند انجام دهند.

وظایف عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح

* سردوشی‌ها، در روز نیمه‌ی شعبان داده شود.

* نیمه‌ی شعبان، نوع غذا و لباس‌های پادگان‌ها، فرق کند و مناسب جشن باشد.

* کتاب‌های ساده ولی پر محتوایی، در نیمه‌ی شعبان میان کادر، و کارکنان و سربازان، به مسابقه گذاشته شود.

* در همه‌ی مراسم‌های صبحگاهی، نام امام زمان(عج) برده شود.

* سربازان، بسیجیان، پاسداران، ... سربازان امام زمان‌اند. این مطلب به آنان گفته شود.

این، یک نوع تربیت است. قرآن می‌گوید:

﴿... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ...﴾^۴

پدر شما ابراهیم است.

در حدیث نبوی آمده است:

«أَنَا وَعَلِيٌّ أَبُوَاهِذِهِ الْأُمَّةِ...»^۵

اگر من احساس کنم، پدرم، حضرت ابراهیم پیامبر است، چه خواهد شد؟ اگر انسان احساس کند سرباز امام زمان علیه السلام است، چگونه خواهد بود؟ این مسئله، خودش، یک تلقین است. باید به مناسبت‌های مختلف، از مهدویت سخن گفت.

وظایف مساجد و تکایا

* این چراغانی‌ها و جشن‌ها را باید به نسل نو منتقل کرد. این، خیلی مهم است.



* همان گونه که عاشورا، دیگرهای غذا بار می‌گذارند، در نیمه‌ی شعبان نیز همه‌ی مردم اطعام شوند.

* در مساجد، نیمه‌ی شعبان، احیا گرفته شود. در حدیث آمده است: «کسی که شب نیمه‌ی شعبان تا صبح نخوابد، آن وقتی که همه‌ی دل‌ها مرده است، دل او زنده است.» اگر همه، یک سمت رفتند، او، به سمت دیگر می‌رود. در دانشگاه تهران، این کار انجام شد و امسال^۶ نیز برگزار خواهد شد. جمعیت زیادی می‌آیند. سخنرانی، و مقاله خوانی از سوی دانشجویان و... از برنامه‌های آنان است.

* از بچه‌ها بخواهیم که هر کس یک مقاله‌ی خوب بیاورد و در مسجد بخواند.

* به مناسبت نیمه‌ی شعبان به فقرا و سال‌مندان کمک شود. حضرت امام علیه السلام در نوفل لوشاتو که بودند، روز تولد حضرت مسیح، علی نبینا و آله و علیه السلام، به همه‌ی همسایه‌های مسیحی سر زدند یا هدیه فرستادند. امام رضا علیه السلام عید غدیر برای دوستانش انگشتر می‌فرستادند. در حدیث آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله گاهی گوسفندی را ذبح می‌کردند و گوشت‌اش را برای خانم‌هایی که رفیق حضرت خدیجه علیها السلام بودند، می‌فرستادند. این، بزرگ‌داشت است.

* غرفه‌های کتاب و نوارهای مفید در این زمینه ایجاد شود.

* از افرادی که به مسجد نمی‌آیند، دعوت شود. نیمه‌ی شعبان، وقت خوبی است که آنان را به طور خصوصی دعوت کنیم. ممکن است لباس مناسبی برای مسجد نداشته باشد یا خدای نکرده نماز بلد نباشد و بالاخره مشکلی داشته باشد، ولی شیرینی خوردن و شعر گوش دادن کاری ندارد. اینان را خصوصی دعوت کنیم. البته، می‌توانیم کلاس‌هایی نیز در مساجد برگزار کنیم.

وظایف صدا و سیما

* در صدا و سیما، هر شبکه، می‌تواند کار خاصی انجام دهد. شبکه‌ی اول، اشعاری که



در مورد آقا است، بخواند و شبکه‌ی دوم، سؤالاتی که در مورد آقا است پاسخ دهد و شبکه‌ی سوم، نامه‌ها و توقیعات آقا را تفسیر کند و یک شبکه، شعرا و نویسندگان درجه‌ی یک را که درباره‌ی آقا شعر گفته‌اند، معرفی کند و...

* شبکه‌های صدا و سیما، می‌توانند هر صبح جمعه، یک برنامه‌ی ویژه داشته باشند. به لطف الهی، این کار انجام شده است. شبکه‌ی دو، صبح جمعه، برنامه‌ای دارد به نام به سوی ظهور. معرفی کتاب، شعر، پاسخ به پرسش‌ها، و... از فعالیت‌های این برنامه است. * جمعه، روز آقا است. شرح دعا‌های ندبه و عهد و... باید در این روز در برنامه‌ها قرار بگیرد، آن هم شرحی وزین و سنگین، نه این که بگوییم: «یا ابن الحسن! کجا هستی؟!»! عشق، باید در شأن امام زمان (عج) باشد.

* پشتیبانی از نمایش نامه‌ها و فیلم‌هایی که درباره‌ی اصحاب امام زمان (عج) و سفرای ایشان و افرادی که ایشان را ملاقات کرده‌اند، نوشته شده، ضروری می‌نماید.

* برای برنامه‌های برون مرزی، می‌توان کارهایی کرد و به زبان‌های مختلف، برنامه تولید کرد: اسپانیایی؛ ژاپنی؛ انگلیسی؛ عربی؛ اردو؛ ...

* تفسیری را من به صدا و سیما می‌دهم که حدود پنج صفحه است. آن را به بیست و هفت زبان ترجمه می‌کند. ما می‌توانیم درباره‌ی امام زمان (عج) هم برنامه‌های برون مرزی را تحت پوشش قرار دهیم.

* انجمن حجّیه، تلاشی شد. خانه‌ی خشتی را که خراب می‌کنیم، باید یک خانه‌ی آجری بسازیم. آن را خراب کردیم و چیزی به جای آن نساختیم. ما یک تشکیلات راه انداختیم و امسال چهار میلیون بروشور، در باره‌ی سیمای مهدی (عج)، سیرت مهدی (عج) و... چاپ کردیم. آن بروشورها، یکی دو صفحه بیش تر نبود. نسل امروز، حوصله‌ی مطالعه ندارد. باید مطلب را خلاصه و چکیده به او ارائه کرد. نسلی است که ساندویچ می‌خورد، چون حوصله‌ی پختن ندارد و اخیراً، آب میوه می‌خورد، چون حوصله‌ی جویدن هم ندارد. از اصول تبلیغ این است که ببینیم، شخص، چه مقدار



حوصله دارد. قرآن می فرماید:

﴿... خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا...﴾^۷

... خداوند، به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعف است....

حالا که شما ضعیف هستید، خدا، کوتاه می آید. کارهایی که ما چاپ کردیم، ساده‌اند. بخشی از کتاب خورشید مغرب، نوشته‌ی استاد محمد رضا حکیمی است که درباره‌ی تکلیف ما، در عصر غیبت است. یک میلیون نسخه از آن، چاپ شده است. کارهایی هم در سطح آموزش و پرورش انجام می دهیم و به شبکه‌های صدا و سیما نامه فرستادیم که اگر می خواهید نیمه‌ی شعبان را پوشش دهید، ما، مطالبی برای تان می فرستیم که با هم فکری هم، آن‌ها را کامل می کنیم و ارایه می دهیم.

وظایف واعظان و مداحان

* واعظان و مداحان، باید در میان خودشان، انتخابات راه بیندازند و آن کسی که در وعظ و خطابه، از همه قوی تر است، انتخاب شود تا مسائل را مستدل و پخته مطرح کند. سخن رانی‌های ما، باید همین محتواهای قرآنی و حدیث باشد. دعا و حدیث بخوانیم. دعا را ساده نگیرید.

عوامل سقوط یک جامعه چیست؟ اگر حوزه و دانشگاه تحقیق کنند، عصاره‌ی همه‌ی رساله‌های علمی که در مورد سقوط جامعه نوشته شده، در صفحه‌ی آخر دعای ابو حمزه‌ی ثمالی است که در مفاتیح الجنان آمده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «خدایا! پناه می برم به تو از عوامل سقوط». ایشان، عوامل سقوط را این گونه می شمارد:

اللَّهُمَّ! إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكِنَةَ وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ...^۸

خدایا! من، از تنبلی و ناکامی و اندوه و ترس و بزدلی و بخل و غفلت و سنگ دلی و ذلت و خواری و بینوایی و فقر و نیازمندی و هر مصیبتی، به تو پناه می برم....



عوامل سقوط یک جامعه، تن پروری، جهل و بی سوادی، تفرقه، غفلت، عیش، فقر، ... است.

وظایف نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها

* در کتاب معارف دانشگاه، به مسئله‌ی حکومت جهانی آینده، توجه شود. متأسفانه، در مباحث معارف دانشگاه دو مورد دیده نمی‌شد: یکی، بحث نماز و دیگری، امام زمان (عج)؛ یعنی، نه از عمود دین و نه از قطب عالم هستی، چیزی نوشته نشده است! اخیراً، بخشی از کتاب معارف دانشگاه را به بحث نماز و مسئله‌ی حکومت جهانی اختصاص داده‌اند.

* کتاب‌های مفید را با نرخ ارزان در اختیار دانشجویان بگذاریم.

* از دانشجویان خوش قلم، تقاضا کنیم که مسئله‌ی مهدویت را با استفاده از استعداد خود بیان کنند.

* در خواب‌گاه‌ها، دعای ندبه و سخنرانی‌هایی درباره‌ی امام زمان (عج) انجام شود.

* بروشورهای مفید در شمارگان بالا منتشر شود.

* اردوهای زیارتی و موضوع پایان‌نامه‌ها و پاسخ به سؤالات، در این زمینه باشد.

* جشن فارغ‌التحصیلان دانشگاه، در نیمه‌ی شعبان برگزار شود.

* دانشجویان با انواع کتاب‌هایی که درباره‌ی امام زمان (عج) است، در قالب «نمایش‌گاه کتاب‌های مهدویت» آشنا شوند.

* کانون‌های فرهنگی که به اسم آقا است، ایجاد یا تقویت شود.

وظایف اداره‌ی اوقاف

* اوقاف مهدیه‌ها، بی سر و سامان است و باید آن را سر و سامان داد.

* هیئت‌های امنا، باید متشکل از اقشار مختلف باشند: دانشگاهی؛ نسل نو؛

خانم‌ها؛



* در این کاشی کاری‌ها که به آن هنر معماری می‌گویند، باید روایات مربوط به امام زمان (عج) با خط خوانا نوشته شود.

* در نیمه‌ی شعبان، بخشی از امکانات و بودجه‌های اوقاف، درباره‌ی امام زمان (عج) باشد.

* تابلوهای جذابی در امام زاده‌ها می‌توان نوشت.

* مسجد جمکران باید سر و سامان بگیرد. جمکران، مال خود امام (عج) است. در هفته، صدها هزار نفر به خاطر امام زمان (عج) به جمکران می‌آیند.

* نام‌گذاری مکان‌های مذهبی موقوفه به نام امام زمان (عج).

وظایف حوزه و سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی

* خرافه زدایی از مسئله‌ی مهدویت، وظیفه‌ی حوزه است. امروزه، بازار خرافه داغ شده است.

* هر طبله، سالی یک کتاب در باره‌ی آقا مطالعه کند. کتاب‌های مناسبی، در این زمینه نوشته شده است.

این جا محیط حوزه است. شما می‌توانید کارهای سنگین‌تری انجام دهید.

* بیش‌ترین چراغانی‌ها باید در خانه‌ی علما باشد. ما، به لباسی که پوشیده‌ایم، افتخار می‌کنیم. ما، سرباز امام زمان (عج) هستیم. چراغانی مدرسه‌ی فیضیه، باید بیش از قصابی‌ها و نانوائی‌ها باشد؛ چون، ما، منسوب به امام زمان (عج) هستیم. سهم امام زمان (عج) را ما می‌خوریم، چراغانی‌اش را قصاب‌ها و نانواها می‌کنند! ما، باید بیش‌تر اظهار علاقه کنیم!

* با مؤسساتی که مربوط به آقا هستند و مؤسساتی که برای آقا تحقیق می‌کنند، آشنا شویم. انتقال تجربه، خیلی مهم است.

* آشنایی با شبهات برای پاسخگویی بدان‌ها، امری بسیار ضروری است.



* مردم را دعوت کنیم که برای امام زمان علیه السلام، صدقه بدهند. ناخدای کشتی هستی، امام زمان (عج) است. برای سلامتی امام زمان (عج) باید صدقه داد. آقا، وقتی می بیند برای سلامتی اش صدقه می دهم، در حق من دعا می کند؛ چرا که قرآن می فرماید:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا...﴾^۹

هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید....

اگر من، برای آقا کاری کنم، ایشان حتماً، به من لطفی می کند.

* سازمان و دفتر تبلیغات، باید تهیه و توزیع مواد علمی و کتاب و مجلات را انجام دهند. بدین صورت که آمار طلاب را داشته باشند و هر سال، به مناسبت های مختلف، مثلاً نیمه ی شعبان، آخرین کتاب ها را مجانی برای شان بفرستند؛ زیرا، روحانی، در نقاط دور دست، از کجا بداند که چه کتاب هایی چاپ شده است.

* باید محققان را شناسایی کنند. معنای سازمان، همین است. ممکن است محققى باشد که کسی هم او را نشناسد و تاکنون چهل یا پنجاه جلد کتاب خوب نوشته باشد. آقای قرشی در ارومیه، چهل و پنج جلد کتاب مفید نوشته است و ناشناخته هم هست!

* باید بگوییم هر کس مقاله ی تحقیقی دارد، بفرستد و ما باید او را یاری کنیم و از او یاری بطلبیم. ما، در ستاد اقامه ی نماز، همین کار را کردیم. گفتیم، هر که شعر خوب دارد، بفرستد. بیش از هزار شعر خوب، جمع شد. دفتر و دستک هم نمی خواهد. اگر از مردم یاری بطلبیم، خودشان چیزهای خوبی می فرستند.

اعلام کردیم: «شیرین ترین نمازی که خوانده اید، کدام بوده است؟ آن را برای ما بنویسید». چند گونی نامه آمد. در این نامه ها، نامه هایی بود که اگر همه ی مَخ های صدا و سیما و حوزه و دانشگاه فکر کنند، چنین مطلبی نمی توانستند بنویسند. نامه ای از یک دختر یازده ساله است:

دختر یازده ساله ای هستم. با اتوبوس با پدر و مادرم مسافرت می کردم. روی پا

ایستاده بودم. دیدم خورشید کم کم غروب می کند. گفتم: «بابا! نماز نخواندم.»

گفت: «باید بخوانی، اما الآن که در بیابان نمی شود نماز خواند.» گفتم: «قضا

نشده؟ من می توانم بخوانم.» گفت: «بنشین! حرف نزن! چهل تا مسافر به خاطر تو نمی ایستند! ماشین را که نگه نمی دارند!» گفتم: «بابا! خواهش می کنم، شما با من مخالفت نکنید، من نماز می خوانم.» قبول کرد.

یک شیشه آب آوردم. یک سطل زیر صندلی اتومبیل بود. شاگرد شوfer گفت: «دختر چه کار می کنی؟» گفتم: «من می خواهم وضو بگیرم و مطمئن باش نمی گذارم آب توی اتوبوس بچکد.»

راننده، از آینه نگاه کرد و گفت: «دختر چه می کنی؟» گفتم: «آقا! وضو می گیرم و نمی گذارم آبش بچکد.» گفت: «من، اصلاً به احترام تو می ایستم.»

راننده ایستاد. پیاده شدم رفتم پایین و نماز خواندم. بعضی از مسافران هم که نماز نخوانده بودند و شاید نمی خواندند، یکی یکی پایین آمدند و آنها هم نماز خواندند.

این، شیرین ترین نمازی بود که خوانده ام.

این دختر با این کار، امام مردان و زنان سالخورده شد. قرآن هم همین را می خواهد بگوید:

﴿... وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا...﴾^{۱۰}

... و ما را برای پرهیزکاران، پیشواگردان....

ما، امام لازم داریم! لازم نیست که امام، حتماً، رهبر انقلاب و... باشد. این نامه را برای مسئولان صدا و سیما خواندم و گفتم، اگر از مردم بخواهیم، برای مان این گونه کار کنند، چنین سناریوهایی به دست ما خواهد رسید.

* ایجاد نمایش گاه هایی از کتاب های مفید نیز در این زمینه کار خوبی است.

* می توانیم در نیمه ی شعبان هم اعزام یکی دو روزه از طلاب به سطح مناطق کشور داشته باشیم. این ها، کار سازمان تبلیغات است.

* صدا و سیما را باید حوزه تغذیه کند. نیمه ی شعبان رابطه برقرار کند که «آقا! ما افراد

مختلفی داریم که می توانند صحبت کنند.»



* از نقل مطالب سُست جلوگیری شود. کتاب‌هایی چاپ می‌شود که باید از چاپ آن‌ها جلوگیری کرد.

* اهدای جوایز به طلبه‌هایی که تلاش‌های برتری داشته‌اند، باید آنان را با مسائل و شبهات جدید، آشنا کرد.

* برگزاری نشست‌ها و حتی همایش‌های جهانی و دعوت شخصیت‌های جهانی.

* یک دوره‌ی تخصصی مهدویت باید گذاشته شود. البته، ما این کار را با استفاده از استادان خوب حوزه و دانشگاه کرده‌ایم. گوینده‌ای که می‌خواهد درباره‌ی امام زمان (عج) صحبت کند، خودش باید ده‌ها جلد کتاب در این زمینه دیده باشد و در جریان شبهات باشد.

* امدادها و حمایت‌هایی که آقا از بزرگان کرده و... باید برای طلاب جوان گفته شود. همه‌ی طلبگی، نباید درس و کلاس و امتحان باشد! در اسکناس، یک نخ است که آن نخ به آن ارزش می‌دهد. آن نخ، فراموش نشود.

* در حوزه‌ها، دعای ندبه را فراموش نکنیم.

* گنجاندن سرفصل‌های مهدویت در رشته‌های تخصصی تبلیغ و تفسیر و... در هر رشته‌ی تخصصی، بخشی از مهدویت مطرح شود.

* طلاب برای چراغانی، تشویق شوند. بعضی از طلاب، حاضرند صد تا مقاله بنویسند، ولی حاضر نیستند یک چراغانی کنند. طلبه، باید عاشورا سینه بزند! بلد باشد گوسفند بکشد! فقط اهل «صَبِّحْکُم اللّهُ» و «مَسَاکُم اللّهُ» نباشد! این کارها را هم بکند. این، مسئله‌ی مهمی است. حضرت ابراهیم، تبر دست گرفت.^{۱۱} حضرت موسی، علی نبینا و آله و علیه السلام، یک سیلی زد و طرف مرد.^{۱۲} گاهی وقت‌ها باید یک رگی در طلبه‌ها باشد.

* باید پایگاهی برای پاسخ‌گویی در قم باشد. با استفاده از اینترنت، و اینترنت، به

سؤالات درباره‌ی امام زمان (عج) و همه‌ی شبهات پاسخ گفته شود.

این‌ها، چیزهایی بود که به عقل ناقص من می‌آمد تا بینم به عقل کامل شما چه می‌آید... به هر حال، آرزو بر پیرها عیب نیست تا چه رسد به جوانان! ما، یکی یکی، این کارها را ان شاء الله دنبال می‌کنیم و هر کاری بتوانیم، برای آقا انجام می‌دهیم. امیدواریم کوتاهی‌ها را بر ما ببخشایند.

سخن پایانی

در حرم امام رضا علیه السلام شخصی از من پرسید: «آقای قرائتی! چند سال است طلبه‌ای؟». گفتم: «من، از چهارده سالگی طلبه شدم. الآن خیلی سال است. گفت: «امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی یاران‌اش را می‌دید، لذت می‌برد، آیا شما به گونه‌ای هستید که وقتی حضرت مهدی (عج) نگاه‌تان کند، لذت ببرد؟». گفتم: «نه؛ من، چنین توقعی هم ندارم، اما همین که از ما غم زده نشود، کافی است». این حرف را زد و رفت، ولی مرا منقلب کرد که «آیا واقعاً حضرت مرادوست دارد یا نه؟».

ما، از درِ خانه‌ی امام زمان (عج) دوری نکنیم. آیه‌ی الله وحید خراسانی، جمله‌ای گفت که من خیلی تکان خوردم. گفت: «اگر به یک سنگ، چند تا استخوان چرب بدهی، هر چه هم سنگ به او بزنند، هیچ وقت از درِ خانه‌ی صاحب‌اش کنار نمی‌رود. ما که سهم آقا را خوردیم، نکند چند تا متلک بشنویم و از درِ خانه‌ی صاحب مان کنار رویم و امام زمان (عج) را رها کنیم! به لباس خودمان عشق بورزیم! به طلبگی مان افتخار کنیم!».

مردم کره‌ی زمین، سه دسته‌اند: یا تولید می‌کنند یا توزیع یا مصرف. زنده باد طلبه که اگر مُخ‌اش کار کند و قوی باشد، تولید علم می‌کند و اگر مُخی نداشته باشد که فکر تولید کند، تولیدات دیگران را یاد می‌گیرد و توزیع می‌کند و اگر نه فکر داشت و نه بیان، باز یاد می‌گیرد و خودش عمل می‌کند. و خوش به حال کسی که هم مخ داشته باشد و هم زبان و هم عمل کند:



«عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»^{۱۳}

عالمی که از علم اش استفاده می شود، بهتر از هفتاد هزار عبادت کننده است.»

خدایا! ما را نسبت به امام زمان علیه السلام، وفادار قرار بده! ایمانی بده که هر حادثه ای پیش آمد، ما را از

امام زمان علیه السلام دور نکند!



پی نوشت ها:

۱. صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۲۰، فراز ۱۶.
۲. بلدالامین، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.
۳. فرقان (۲۵): ۲۷... ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!
۴. حج (۲۲): ۷۸.
۵. بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۰۵: من و علی، پدران این امت ایم... .
۶. سال ۱۳۸۰ هـ.
۷. انفال (۸): ۶۶.
۸. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه‌ی ثمالی؛
۹. نساء (۴): ۸۶.
۱۰. فرقان (۲۵): ۷۴.
۱۱. صافات (۳۷): ۹۳ ﴿فَرَأَىٰ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾؛ سپس به سوی آنان رفت و ضربه‌ای محکم با دست راست بر پیکر آنان فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست).
۱۲. قصص (۲۸): ۱۵ ﴿... فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ...﴾؛ موسی، مشت محکمی بر سینه‌ی او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مُرد)....
۱۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳.

